

مقدمه

با ظهور انقلاب اسلامی، شکل جدیدی از حکومت در دنیا پدیدار شد که بنای سازگاری با قطب قدرت استکبار را نداشته و به مبارزه با استکبار پرداخت. ظهور چنین حکومتی آن هم در منطقه خاورمیانه که از لحاظ اقتصادی و ژئوپلیتیکی دارای اهمیت بسیار زیاد است، باعث شد که نظام استکبار جهانی با تمام قوا به مبارزه با انقلاب برخیزد. با پایان یافتن جنگ و عدم پیروزی استکبار در زمینه های نظامی، تهاجمات به عرصه های دیگر کشیده شد. یکی از این عرصه ها که خصوصاً در سالهای اخیر با تهاجمات گسترده همراه بوده است، "عرصه اقتصادی" است. بنابراین خود انقلاب اسلامی مکلف به نوآوری و نظریه پردازی و الگوسازی در عرصه های جدید اقتصادی است. هر کشوری که علم استکبارستیزی را برپا کند، نیازمند چنین الگوهایی است. یکی از این مفاهیم "اقتصاد مقاومتی" است.

تعریف

بنا به تعریف برخی از اقتصاددانان از اقتصاد مقاومتی، این نوع اقتصاد معمولاً در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف کننده یک کشور قرار می گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه، ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی سازی آن بر اساس جهان بینی و اهداف دارد. برای تداوم این نوع اقتصاد، باید هر چه بیشتر به سمت محدود کردن استفاده از منابع نفتی و رهایی از اتکای اقتصاد کشور به این منابع حرکت کرد و توجه داشت که اقتصاد مقاومتی در شرایطی معنا پیدا می کند که جنگی وجود داشته باشد و در برابر جنگ اقتصادی و همچنین جنگ نرم دشمن است که اقتصاد مقاومتی معنا پیدا میکند.

محورهای اساسی اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم سازی، بحران زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای

فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می شود، که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت های عقلایی و مدبرانه، پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی ها و تاکید روی مزیت های تولید داخل و تلاش برای خود اتکایی است.

برخی محورهای اساسی و مهم اقتصاد مقاومتی عبارتند از:

حمایت از تولید ملی

تأکید مقام معظم رهبری در ابتدای سال بر ضرورت تداوم "تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی"، مبین سه وظیفه برای دولت، دست اندرکاران تولید و مردم می باشد، سه حلقه ای که نحوه تعامل آنها بر روی هم، تاثیر مستقیم دارد و نتیجه نهایی آن، به این تعامل وابسته است. یعنی هرچه قدر که مردم را تشویق به خرید کالای داخلی کنیم ولی کیفیت تولید کالای داخلی پایین باشد، عملاً رغبتی از سمت مردم به خرید کالای تولید داخلی نخواهد بود. اگر تولیدکننده هم برای تولید کالای باکیفیت همت کند ولی دولت و سیستم بانکی کشور، خدمات پولی و مالی ارائه ندهند و یا قوانین اقتصادی، فضای کسب و کار را سخت کند و یا مردم نسبت به کالای داخلی بی رغبت باشند، باز هم نتیجه منفی خواهد بود. لذا باید تمامی ارتباطات این سه حلقه باهم اصلاح شده و در راستای افزایش تولید ملی بهبود پیدا کند.

سیاستهای اصل 44 قانون اساسی

محدودسازی اقتصاد دولتی و آزاد سازی اقتصاد از پیامدهای مهم اصل 44 قانون اساسی است. اقتصاد مقاومتی فعال و پویا نیازمند برنامه ریزی استراتژیک و راهبردی، مبتنی بر مردمی کردن اقتصاد از طریق میدان دادن بیشتر به فعالان بخش خصوصی و رفع موانع و مشکلات این بخش می باشد.

بخش خصوصی به عنوان موتور و محرک اصلی رشد اقتصادی و صنعتی است که با بکارگیری سرمایه خود و جذب و مشارکت سرمایه های غیردولتی، استفاده بهینه از منابع انسانی و اعمال

مدیریت کارآمد، ضمن ایفاء نقش خود در رشد اقتصادی و صنعتی کشور، میتواند اهداف توسعه ای دولت را محقق نماید.

اقتصاد مقاومتی بر پایه و اساس سرمایه معنوی افراد و جامعه استوار است و بخش خصوصی بدون شک برترین بستر، برای همراهی مردم به عنوان اصلی ترین ارکان مقاومت در جامعه، برای ضد ضربه کردن اقتصاد در برابر تحریم هاست .

توجه به نخبگان و استفاده از فناوری نوین

نخبه به فرد برجسته و کارآمدی اطلاق می شود که اثرگذاری وی در تولید علم، هنر و فناوری کشور محسوس باشد و هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری وی در راستای تولید دانش و نوآوری موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی و متوازن کشور گردد. زمانی که فناوری های نوین مشمول تحریم قرار می گیرند و کشورهای دشمن اجازه نمی دهند این فناوری ها به ایران برسند، اگر از نخبگان حمایت شود، میتوان این فناوری ها را تبدیل به فعالیت تجاری کرد. میدان دادن به نخبگان در عرصه صنعت، تجارت و کشاورزی، از ویژگیهای اقتصاد مقاومتی است و نیز باید شرایط به گونه ای باشد که نخبگان بدون مانع کارهای خود را پیش برند. آنچه جای نگرانی است، تحریم خارجی نیست بلکه نگرانی در خصوص موانع تولید و تجارت در داخل کشور است که گاهی شدیدتر از تحریم ها عمل می کند .

اقتصاد مقاومتی، تحقق جهاد اقتصادی

سال گذشته که برحسب منویات مقام معظم رهبری، بنام جهاد اقتصادی نام گذاری شد، آغاز حرکتی بود در راهی که به از بین بردن موانع و معضلات اقتصادی کشور می انجامد. به همین دلیل امسال که به نام تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی نام گذاری شده، یکی از اهداف مهم آن ایجاد "اقتصاد مقاومتی" است. جهاد اقتصادی به معنای شروع حرکتی موثر برای ساختن بنیان آینده ایست که امروز برای هر ایرانی یک آغاز است، شروع زندگی در شرایطی بهتر و ایده

آل. اقتصاد مقاومتی نتیجه و ثمره اقتصادی است که با تکیه بر حرکت‌های جهادی و فداکارانه در برابر احتکار و انحصار قد علم می‌کند و با تورم و گرانی مقابله می‌کند تا مردم به آسایش نسبی در زندگی برسند.

مهمترین اهداف تحقق اقتصاد مقاومتی عبارتند از:

مهار سوداگری و فساد، گام اول تحقق اقتصاد پایدار

منظور از سوداگری، فعالیت‌های غیرمولدی است که از تلاطمات و نوسان‌های بازار سوء استفاده نموده و بهره‌مندیهایی را نصیب برخی افراد می‌گرداند. در اقتصاد مبتنی بر دلالتی و سوداگری، بخش مولد بیشترین آسیب را دیده و ساز و کار اقتصاد به سمت حبابهای قیمتی و نوسانهای شدید سوق می‌یابد. چنین اقتصادی در مواجهه با فشار خارجی کمترین پایداری و مقاومت را داشته و به سرعت متلاشی می‌شود.

برخی سیاستهای اجرایی مناسب ذیل این اصل عبارتند از: سیاستهای کنترل زمین و مسکن، مبارزه با قاچاق و واردات غیرقانونی، ساماندهی فضای اطلاعاتی به منظور دسترسی یکسان آحاد جامعه به اطلاعات اقتصادی و...

مردمی سازی اقتصاد، ارتقاء مقاومت اقتصادی در برابر تحریمها

برای اینکار، در گام اول می‌بایست توانمندسازی آحاد مردم در دستور کار قرار گیرد تا زمینه برای حضور موثر همه افراد در فعالیت‌های مولد اقتصادی فراهم شود. وحدت و همکاری میان فعالین می‌تواند به اشکال گوناگون شبکه سازی، خوشه سازی، زنجیره تامین و... در دستور کار قرار گیرد. لیکن با محوریت نظم‌های جمعی میان فعالیت‌ها، آرمان‌های مردم سازی اقتصادی محقق شده و سطح پایداری و مقاومت اقتصادی در برابر تحریم‌ها و فشارها ارتقاء می‌یابد.

خلاصی از وابستگی به درآمد نفت، مصداق خود اتکایی

سازوکارهای حوزه اقتصادی بایستی به گونه‌ای مورد بازبینی قرار گیرند که تمامی مواردی که

وابستگی کشور را به دنبال دارد، شناسایی نموده و درخصوص آن تصمیم گیری نمایند. درموارد کم اهمیت تر می توان این حوزه ها را متنوع و متکثر نمود تا میزان وابستگی کشور کاهش یابد. درموارد خاصی نیز ممکن است جایگزین سازی کامل مدنظر قرار گیرد .

برخی از سیاستهایی که در این خصوص قابل طرح هستند عبارتند از : جایگزینی درآمدهای جاری به جای نفت مانند؛ مالیات و درآمدهای ترانزیتی و... ونیز گسترش شرکای تجاری از یک شریک عمده به چندین شریک کوچکتر....

اولویت بندی شرکای تجاری ایران

کشورهای منطقه و نیز کشورهای با همسویی ایدئولوژیک باید بر دیگران ترجیح داده شوند. ازسویی کشورهایی با همبستگی بیشتر، تمایل کمتری به ورود در توافقات طرفینی برعلیه یکدیگر دارند و ازسوی دیگر، منطقه به سبب مواجهه با تهدیدات و فرصت های مشترک ، امنیتشان به هم گره خورده است. در واقع بلوکی از کشورهای همسایه و مجاور به لحاظ جغرافیایی ، با حجم اقتصاد و جمعیت بزرگتر، پایداری بیشتر خواهد داشت. اگر کشور در زمینه های صنایع و رشته فعالیت های اولویت دار مثل غذا و دارو، پیشرفت کند به صادرکننده عمده مبدل شده و به پیشرفت های فنی و صنعتی بسیاری در این زمینه ها می تواند نایل شود، لذا بقای کشور تضمین شده وامکان تحریم و فشار به کشور کاهش می یابد. حوزه انرژی و صنایع نظامی نیز دو زمینه مهم دیگری هستند که بایستی مورد توجه ویژه قرار بگیرند. اولویت بعدی هم صنایع فرهنگی است . در این حوزه نیز به سبب رویکرد فرهنگی و گفتمان ساز انقلاب اسلامی می توان با تحرک و پویایی مناسب مبانی فرهنگی و تربیتی والای اسلامی را به جهان صادر نمود و مبنای فکری نظام سلطه را مورد چالش جدی قرارداد.

فرهنگ سازی اولویت تولید بر واردات و خرید کالای داخلی

علاوه بر ترویج و تبلیغ مفاهیم عام حوزه فرهنگ مقاومت همچون جهاد و مبارزه، در حوزه

اقتصادی نیز بایستی مفاهیم فرهنگی مناسبی بسط و توسعه یابد. ترجیح تولید بر واردات و خرید کالای داخلی مساله مهمی است که در بسیاری موارد با موانع فرهنگی روبروست. نفی تکاثر در عین تبلیغ کار و تولید ثروت، نفی اسراف در عین ترویج مصرف میانه و... نیز بایستی محور توجه قرار گیرند. بایستی به لحاظ فرهنگی چنان مساله مطرح شود که جهاد اقتصادی همانند جهاد نظامی مدنظر قرار گرفته و فعالیت مفید اقتصادی امر مجاهدت در راه خدا را داشته باشد. اینها گوشه‌ای از اهداف اقتصاد مقاومتی است که تنها با امتداد راه جهاد اقتصادی میسر خواهد شد. ایجاد شرایطی نسبتاً پایدار، اقتصادی ایمن و مقاوم و خود کفایی که آرزوی هرملتی است.

اقتصاد مقاومتی و تحریم‌ها

تحریم ابزار تنبیهی است که در سیاست خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف از تحریم، فشار بر کشور هدف برای تغییر رفتار است. این تغییر رفتار می‌تواند تغییر رفتار سیاسی یا تغییر سیاست‌های اقتصادی باشد. تحریم اقتصادی همواره یکی از ابزارهای فشار و اجبار در پیشبرد اهداف سیاست خارجی کشورها در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته که البته کارنامه ایالات متحده آمریکا در این خصوص تاریک‌تر از قدرت‌های دیگر بوده است.

اهداف واهی این تحریم‌ها عبارت بودند از :

• جلوگیری از نقض حقوق بشر

• مبارزه با تروریسم بین‌المللی

• منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای

• حمایت از حقوق کارگران

• حفظ محیط زیست

• جلوگیری از گسترش مناقشات و جنگ‌های داخلی

در حالی که مهمترین هدف آمریکا از این تحریم‌ها رسیدن به سیاست‌ها و حفظ استیلای خود

آن هم پس از فروپاشی بلوک شرق بوده است. میزان تاثیرگذاری تحریم بطور شدیدی به پارامترهای تعیین کننده ویژگی های اقتصادی کشور تحریم شده بستگی دارد. پارامترهایی همچون:

• روابط تجاری و اقتصادی

• ساختار اقتصادی

تولید ناخالص ملی

درآمد سرانه

نرخ رشد

درصد صادرات به تولید ناخالص داخلی

درصد واردات به تولید ناخالص داخلی

جریان ورود و خروج سرمایه

عضویت در سازمانها و موافقت نامه های منطقه ای

• شدت نیاز به کالاهای استراتژیک مانند نفت و نظایر آن

اکثر تحریم ها علیه جمهوری اسلامی ایران تا سال 2006 به طور یک جانبه از طرف آمریکا انجام شده است. میتوان گفت با توجه به پایبندی مسئولان و ملت ایران به اصول و ارزش های انقلاب اسلامی، سیاستهای خصمانه آمریکا با کشورمان پایانی نخواهد داشت، اما آنچه اهمیت دارد این است که باید در این برهه حساس نیز با تمام توان و ظرفیت در مقابل این سیاستهای خصمانه ایستادگی و مقاومت کرد. در کنار استفاده از کلیه ظرفیت های دیپلماتیک جهت زدودن آثار منفی و کاستن از سختی تحریم ها، باید در داخل کشور نیز اقدامات مقابله ای انجام شود، که با اطمینان می توان گفت نامگذاری سال 1391 به عنوان "سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی" از سوی مقام معظم رهبری که نشان از درایت و هوشیاری معظم له داشته و همچنین طرح موضوع

"اقتصاد مقاومتی" از سوی ایشان از مهم‌ترین اقدام در این زمینه محسوب می‌شود که مسئولین نظام باید به دور از هرگونه درگیری جناحی و حزبی، از همه توان خود برای جامه عمل پوشاندن به آنها استفاده نموده و مردم نیز باید مسئولین را در این امر، بیش از پیش همراهی نمایند، چرا که سربلندی و موفقیت در این مسیر دشوار، نیازمند همدلی و همکاری صمیمانه مسئولین و مردم خواهد بود.

نقش دولت و مردم در تحقق اقتصاد مقاومتی

شناسایی نقاط ضعف کشور در اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به نقاط قوت، یکی دیگر از الزامات کشور در رسیدن به جایگاه واقعی خویش در عرصه جهانی است که برای تحقق آن باید همکاری نزدیکی میان دولت و مردم صورت گیرد.

نقش دولت

دولت در شرایط امروز اقتصاد ایران، بزرگترین رسالت را دارد. هر یک از سیاست‌هایش از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، هزینه فرصت‌ها به شدت بالاست و نیاز به هوشمندی و دقت خاصی از ناحیه دولت احساس می‌شود.

از جمله سیاست‌های مناسب از ناحیه دولت در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی عبارتند از:

تثبیت نرخ ارز

یکی از ملزومات تحقق اقتصاد مقاومتی، تثبیت قیمت ارز در بازار است. نوسانات موجود در بازار ارز، زمینه نابسامانی در امر تولید، عرضه و مصرف کالا را فراهم می‌سازد و در یک جمله بازار را دچار اختلال می‌کند. از این رو دولت، به عنوان اصلی‌ترین مقام تصمیم‌گیری در سیاست‌های مالی و ارزی کشور، می‌تواند بخش قابل توجهی از نوسانات موجود در بازار ارز را با تدابیر پیشگیرانه و اتخاذ سیاست‌های مناسب به حداقل رسانده تا در آینده، اقتصاد کشور دچار شوک‌های شدید ناشی از اتخاذ تدابیر سطحی و زودگذر نشود. توزیع مناسب و به‌اندازه ارز به بازار، توجه به صنایع و

مایحتاج عمومی مردم، در اولویت قرار گرفتن اخذ ارز مورد نیاز، تعیین نرخ مرجع مناسب با توجه به شرایط بازار و... می تواند بخشی از تدابیر دوران‌دیشانه دولت در کنترل قیمت و بازار ارز محسوب شود. از این رو لازم است، بخش های تاثیرگذار بر بازار، با اعتماد به نظرات کارشناسان دلسوز اقتصادی، زمینه را برای تحقق اقتصاد مقاومتی به عنوان شاه کلید عبور کشتی نظام از حوادث پیش روی خود، بیش از پیش فراهم نمایند.

اشتغال زائی

اشتغال در کشور امنیت عمومی را به دنبال خواهد داشت که می تواند مشکلات فرهنگی را نیز مرتفع کند. بنابراین ایجاد فرصت های شغلی از سوی دولت امری ضروری تلقی می گردد. در شرایط کنونی افزایش فرصت های شغلی، یکی از الزامات و اقدامات مهم مقامات مسئول در دولت محسوب می شود، چرا که در راستای دستیابی به اقتصاد مقاومتی، نیازمند نیروی کار بیشتر در کشور هستیم. از جمله راهکارهای لازم برای رفع موانع اشتغال زائی عبارتند از؛ تغییر نگرش دولت به بخش خصوصی، ایجاد امنیت اقتصادی، مبارزه با مفاسد اداری، کنترل مهاجرت از روستاها به شهرها و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و کنترل اقتصاد زیرزمینی

ثبات قیمت ها

یکی از زیرساخت های اقتصاد مقاومتی که به آن توجه کمتری شده است، مسأله تورم است که بعضاً نحوه بودجه ریزی و برخی تصمیم گیری ها در نظام پولی و مالی موجب تورم زایی شده است. تورم در حال حاضر تبدیل به بیماری اقتصادی کشور گردیده و این مسئله باعث شده است که در عرصه بین المللی، صادرات کشور دچار مشکل شود و در طرف مقابل واردات افزایش پیدا کند و دلیل آن بالا بودن قیمت کالاها در داخل کشور است. اقتصاد در شرایط تورمی بازدهی ندارد و به موجب آن تولید داخل افزایش پیدا نمی کند و بیکاری افزایش می یابد و در نتیجه، بالا رفتن نرخ بیکاری در جامعه و افزایش مفاسد اجتماعی، متعاقباً هزینه های اجتماعی و سیاسی و امنیتی کشور

افزایش یافته و این مسئله کشور را از تحقق اقتصاد مقاومتی دور خواهد کرد .

اصلاح ساختار دولتی

با وجودی که سالهاست در محافل مدیریتی سخن از محدود کردن تشکیلات دولتی در تمام عرصه‌های اقتصادی، تولیدی و اجرایی می‌شود اما این گسترده‌گی همچنان رو به فزونی است . دولت اگرچه بزرگترین مجری در سطح کلان جامعه است، اما این بزرگی به جای انجام نظارت و هدایت کارها با در اختیار گرفتن منابع مادی و نیروی انسانی فراوان در چرخه اقتصاد و تولید به اداره این منابع می‌پردازد. تا آنجا که امروز خود را با تشکیلات عدیده‌ای روبرو ساخته است. این در حالی است که با واگذار کردن بسیاری از کارهای اجرایی در اختیار بخش خصوصی از یک سو می‌تواند از حجم مشغله و تورم کارهای اجرایی خود بکاهد و از سوی دیگر به افزایش رضایتمندی مشتریان و انتظارات نیروهای انسانی خود و نیز افزایش کیفیت خدمات در سطح خرد و کلان کمک شایانی کند. تجربه کشورهایی که موفق به کوچک سازی بخش تشکیلاتی دولتهای خود شده‌اند، نشان می‌دهد که این کشورها به نتایج بسیار ارزنده‌ای از نظراجرای با کیفیت کارهای کلان خود دست یافته‌اند. به نظر می‌رسد نقش پررنگ دولت نیز در اداره کارها باید کاهش یابد و به جای آن روند نظارت بر کارها و هدایت امور توسط دولت توسعه یابد. دولت به عنوان ارکان اجرایی و تصمیم‌ساز، که ابزارهای لازم اقتصادی را در اختیار دارد، می‌تواند حرکات کیفی تری را در تمام عرصه‌ها از خود نشان دهد .

نقش مردم

تحقق اقتصاد مقاومتی صرفاً با مشارکت مردمی امکان پذیر است و لاغیر. برای بالابردن مشارکت مردمی باید از هر نوع فعالیت اقتصادی مردمی استقبال کرد. فضایی باید بر کشور و جامعه حاکم گردد که همه مردم خودشان را مولد در اقتصاد و شریک در پیشرفت و مقاومت کشور، حس کنند و بر آن ببالند. در نظریه‌های اقتصادی نقش مردم به عنوان مصرف کنندگان کالاها بسیار حائز

اهمیت است .

از مهمترین نقشهای مردم در تحقق اقتصادی می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

مدیریت مصرف

امروزه تعادل در مصرف یک حرکت جهادی است و همه دستگاههای دولتی و غیردولتی و همچنین آحاد مردم باید موضوع پرهیز از اسراف و استفاده از تولیدات داخلی را جدی بگیرند. جلوگیری از هرگونه اسراف و تبذیر، مهمترین اصل در ارائه یک الگوی اسلامی مصرف است. از این رو خداوند در آیه 67 سوره فرقان، حرکت در مداری به دور از افراط و تفریط را رسیدن به پایداری دانسته است. پس فرد یا جامعه ای که در مسیر پایداری در مصرف حرکت کند به پایداری در اقتصاد می رسد و جامعه به همان مطلوب یعنی اقتصاد سالم ، شکوفا و مقاومتی دست خواهد یافت .

قناعت (ساده زیستی ودوری از تجملات)

امیرمومنان علی (ع) بهترین اقتصاد و زندگی سالم اقتصادی که آسایش انسان را تامین کند ، اقتصاد مبتنی بر قناعت تعریف می کنند، پس قناعت و اقتصاد واقعی به معنای مصرف به مقدار کفایت است که مهم ترین عامل در ایجاد آسایش پایدار و راحتی دانسته شده است. مردم جامعه باید تفکر خود را نسبت به مصرف تغییر دهند و از مصرف گرایی و ریخت و پاش غیر ضروری در همه ی موارد خودداری کنند .

تولید ثروت حلال

تولید ثروت حلال باید در جامعه نهادینه شود و در کنار آن تولید ثروت های کاذب از طریق دلالی به امر مذموم در میان آحاد جامعه مبدل شود.

ترجیح مصرف کالای داخلی بر کالای خارجی

پرواضح است که مردم حق استفاده از کالای باکیفیت را دارند ، ولی ترجیحاً باید کالای ساخت

داخل را مصرف کنند و این امر نیازمند تحکیم نگاه علمی است ، به نحوی که دست اندرکاران عرصه تولید، دولت ودانشگاهها حلقه ارتباط صمیمی وتعامل پایداری را باید با یکدیگر داشته باشند. زیرا صیانت از اعتبار تولید داخلی در عرصه جهانی وظیفه ملی واسلامی است ، و منافع زود گذر نباید منفعت ملی را به خطر بیندازد .

موانع وچالشهای پیش روی اقتصاد مقاومتی
اقتصاد مقاومتی و اهداف آن باید با جوهره مقاومت پیوند منطقی داشته باشد، در این راستا باید چالشهای پیش رو را شناسایی و در دایره ای بزرگتر با عنایت به چالشهای اقتصاد و امت اسلامی تعریف و برای آن برنامه و راه حل ارائه شود .

از جمله این موانع می توان به موارد ذیل اشاره نمود :

- 1) وجود عوامل متعدد بر ایجاد فضای منفی برای جذب سرمایه گذاری داخلی وخارجی
- 2) وجود موانع متعدد پیش روی تولید ملی
- 3) عدم وجود فضای رقابتی در بخش تولید و توزیع در برخی از گروه کالایی
- 4) پایین بودن سطح بهره وری نیروی انسانی و ضرورت تشکیل نیروی انسانی کارآمد بیش از

گذشته

5) افزایش نقدینگی وعدم تناسب آن با تولید

6) وجود نقدینگی های سرگردان

7) تورم بالا ومستمردر کشور

8) اختلالات متعدد در بازار ارزی کشور

9) سطح بالای بیکاری و عدم اشتغال پایدار

10) افزایش مستمر قیمت مسکن و اجاره ها

11) وابستگی شدید بودجه سالانه کشور به درآمدهای حاصل از فروش نفت خام

- 12) کسری بودجه مزمن و پایدار
- 13) عدم اجرای کامل سیاستهای اصل 44 قانون اساسی در راستای آزاد سازی و خصوصی سازی
- 14) وجود نظام مالیاتی ناکارآمد
- 15) هدفمند نبودن یارانه ها علی رغم اجرای آن
- 16) ناکارایی نظام پولی و بانکی
- 17) نوسانات متعدد در شاخص های بورس
- 18) وجود سیاست های حمایتی و تعرفه ناکارآمد و غیرهدفمند
- 19) ضعف های زیرساختی و گمرک
- 20) تامین قطعات و فقدان الگوهای مصرف بهینه
- 21) مشکلات تامین کالاهای مورد نیاز بخش تولید
- 22) وابستگی صادرات غیرنفتی به بخش میعانات نفتی، گازی و پتروشیمی
- 23) عدم حمایت موثر از حقوق تضییع شده مصرف کنندگان
- 24) مواردی که موجب ایجاد ضعف در تصمیم گیری ها و برنامه ریزی های اقتصادی می شود
- 25) عدم پیشگیری در مواجهه با فساد مالی در دستگاه های دولتی و غیردولتی
- 26) فساد اقتصادی
- 27) انجام واردات بی رویه
- 28) عدم اعمال مالیتهای سنگین برای فعالیتهای غیرتولیدی
- 29) بروکراسی اداری نیز به عنوان یکی از موانع تحقق اقتصاد مقاومتی است که یافتن راهکارهای حمایتی برای بهره برداری به موقع از پروژه های در دست اجرا را می طلبد.
- نتیجه گیری و پیشنهادات
- با توجه به بررسی همه عوامل موثر و زیر سیستم در اقتصاد مقاومتی باید گفت که تحریم ها

نمی‌توانند خلل مهمی برای کشوری با قدرت جمهوری اسلامی ایران و با این مرزهای گسترده و منابع خدادادی ایجاد کنند، کشوری که به خدای متعال اتکا دارد و ملتی استوار و هوشمند است حتماً پیروز این میدان خواهد بود. نظام اسلامی قادر است با برنامه‌ریزی، تلاش، تدوین استراتژی‌ها و اقدامات لازم با محوریت اقتصاد مقاومتی، بخش عمده‌ای از تهدیدهای امروزین را نیز به فرصت تبدیل کند.

راهکارهای ذیل جهت رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی ضروری است :

1. نقطه شروع اقتصاد مقاومتی، سیاست‌گذاری برای اصلاح الگوی مصرف است. مصرف، تولید را جهت می‌دهد و این دو در کنار هم، جهت سرمایه‌گذاری را مشخص می‌کنند. رونق تولید داخلی و کاستن از وارداتی که می‌تواند به افول و کم‌رونقی و توقف واحدهای تولیدی داخلی منجر شود، موجب استقلال اقتصادی، قطع وابستگی به خارج و ارتقای تکنولوژی در سطح کلان تر می‌شود. البته باید به گونه‌ای عمل کرد که اقتصاد مقاومتی به معنای تحمیل فشار به مردم نباشد.
2. افزایش بهره‌وری در تولید، کاهش قیمت تمام شده تولیدات، کیفیت بهتر و خدمات بیشتر در رقابت با تولیدات خارجی و کاهش واردات، حمایت از تولید ملی به ویژه تولیدات استراتژیک
3. کاهش آمار بیکاری و خشکاندن ریشه‌های فقر و آسیب‌های اجتماعی ناشی از بیکاری در

جامعه

4. فعالسازی سیستم‌های حمایتی پولی و مالی و بیمه‌ای بخش تولید برای تحرک در اقتصاد

داخلی و نیز حمایت از صادرات کالاهای غیرنفتی

5. افزایش واردات دانش فنی، خطوط تولید و ماشین‌آلات در ازای کاهش واردات کالاهای

مصرفی با توجه به اهمیت این نوع معاملات در عصر اطلاعات، همزمان با تولید علم و تولید دانش

فنی و حمایت از شرکتهای دانش بنیان

6. توجه به معضل تورم و برقراری یک نظام قابل پیش‌بینی و قابل مدیریت در قبال شاخص تورم

و تطبیق آن با سطح حقوق و دستمزدها و نیز قیمت ارز در پیشگیری سیاستهای بهینه در این فرآیند

7. تبدیل تهدیدها به فرصت ها در روند تامین کالاها به این معنا که به محض اعمال تحریم در برخی از کالاها، شکل دهی به عزم ملی در حوزه فناوری و صنعت و تجارت برای ایجاد خود کفایی کامل یا حداقل خود اتکایی در تولید و تامین این اقلام

8. برقراری ارتباطات خاص اقتصادی با برخی از کشورهای دوست، گسترش ارتباطات اقتصادی با کشورها و بلوک های منطقه ای و گسترش شرکای تجاری از یک شریک عمده به چند شریک کوچکتر

9. شکل گیری روحیه جهاد اقتصادی، تولید ملی و حمیت ایرانی. ضمن آنکه برای تقویت اقتصادی ملی، "دیپلماسی اقتصاد مقاومتی" نیز لازم است. هدف از این نوع دیپلماسی تبیین دستاوردهای اقتصاد مقاومتی در مقابل فشارهای وارده است. فشارها در مورد کالای مصرفی و شاخص های روزمره اقتصادی وارد می شود، ولی دستاوردهای مقاومت کشور، دستاوردهایی استراتژیک و بلندمدت هستند، همچون خودکفایی در تکنولوژیها و فناوری های برتر (هسته ای)، استقلال در سیاست خارجی و...

10. خودداری از اسراف و ضایع کردن کالاها و ذخیره سازی کالاهای اساسی در ابعاد حجیم توسط دولت و انبارهای کوچک و هدایت شده و هوشمند توسط مردم (مانند کشور سوئیس) حتی در زمان صلح و آرامش جهت تامین امنیت غذایی مردم